

ارزیابی تطبیقی سطوح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان‌های گیلان و گلستان

نوبخت سبحانی^۱، مریم بیرانوندزاده^۲، سارا موزرمی^۳، مژگان فرج زاده^۴

^۱ دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران

^۲ دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری و پژوهشگر جهاد دانشگاهی واحد لرستان، خرم آباد، ایران

^۳ دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه علوم تحقیقات، تهران، ایران

^۴ کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی تطبیقی سطوح توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی شهرستانهای گیلان و گلستان با روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده است که از روش‌های تحلیل چندمعیاره (تکنیک تاپسیس و ویکور) جهت سطح بندی سطوح توسعه روستایی در استانهای مورد مطالعه استفاده شده است. مطالعه شهرستانهای استان به تفکیک شاخص‌ها بیانگر وجود تفاوت بین سطوح توسعه روستایی سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه می‌باشد. نتایج مورد مطالعه نشان می‌دهد؛ بر اساس تکنیک تاپسیس سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان‌های رامیان، مینودشت و کلانته استان گلستان در وضعیت مطلوبی از توسعه یافتگی قرار دارند، سایر شهرستان‌های استان در وضعیت توسعه یافته قرار دارند، بر اساس مدل ویکور، شهرستان‌های علی‌آباد، آزادشهر و کردکوی نیز در وضعیت در حال توسعه قرار دارند، بر اساس تکنیک تاپسیس در استان گیلان، سکونتگاه‌های روستایی در شهرستان‌های انزلی، تالش و آستانه اشرفیه در وضعیت توسعه یافته قرار دارند و سایر شهرستان‌های استان در وضعیت در حال توسعه قرار دارند، بر اساس نتایج حاصل از مدل ویکور، شهرستان‌های آستانه اشرفیه، آستارا و آملش در وضعیت مطلوبی از توسعه یافتگی قرار دارند، سایر سکونتگاه‌های روستایی در وضعیت گذر از توسعه (شرایط در حال توسعه بودن را تجربه می‌کنند)، هستند.

واژه‌های کلیدی: مطالعه تطبیقی، توسعه روستایی، گلستان، گیلان.

۱- مقدمه

در کشورهای جهان سوم تا پایان دهه ۱۹۶۰ تلاش های توسعه مبتنی بر دیدگاه توسعه از برون و رهیافتی کاملاً بخشی بوده، اما به مرور زمان و مشخص شدن نتایج این رهیافت ها، از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ دیدگاه توسعه از درون و توجه به ساختار فضایی توسعه مورد توجه نظریه پردازان توسعه و بویژه جوامع جهان سوم قرار گرفت. در کشور ما نیز اجرای سیاست های توسعه منطقه ای، تحت تأثیر قطب رشد، ناکارآمد بوده و پیامد آن عمیق تر شدن شکاف بین مناطق مرکز رشد و سطوح پایین از لحاظ سطح توسعه یافتگی بوده است به طوری که «به موازات تغییرات سریع زندگی شهری و افزایش فشار بر زیرساخت ها و خدمات شهری، سکونتگاه های روستایی کشور، همراه با کاهش جمعیت و مهاجرت ها دچار تغییرات اساسی در سازمان فضایی خود شده اند» (قدیری و حبیبی، ۱۳۸۳، ۱). بی هویت بودن مناطق روستایی و وجود فقر و محرومیت بیشتر در این مناطق نیز به تشدید مهاجرت های روستایی به شهرها منجر شده است و علاوه بر مسائل عظیمی که در روستاها پدید آورده اند (پایین بودن تولید و راندمان در نتیجه کاهش بهره وری نیروی انسانی در روستاها- چون جمعیت روستاها، از جوانان فعال محروم می ماند)، باعث پیدایش معضلات و نارسایی های عدیده ای در شهرها نظیر حاشیه نشینی در جوار شهرهای بزرگ تا گسترش جرم و جنایت در محلات فقیرنشین شده است (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۶، ۲۲۰ - ۲۱۹). هر چند که مهاجرت در ابتدا جهت اشتغال نیروی کار غیر مفید روستا در صنایع شهری مفید بوده است، اما امروزه مهاجرت مازاد بر فرصت های شغلی در کشورهای درحال توسعه، نشانه عقب ماندگی و توسعه نیافتگی این کشورهاست (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۱۵۵-۱۵۴) همانطور که برخی معتقدند «سرمایه گذاری-های رفاهی اگر توأم با سرمایه گذاری های تولیدی و زیربنایی نباشد خود مهاجرت زاست» (پاپلی یزدی و فدایی، ۱۳۶۶، ۱۲۳). اجرای طرح های هادی روستایی نیز بدلیل فقدان زیر-ساختهای کلی برنامه ریزی های روستایی و شهری نتوانسته جلوی مهاجرت و فقر روستایی را بگیرد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۲۱۶) راندینلی می گوید: اهداف توسعه روستایی جدا از مسائل شهری نیست و در صورتی که دولت ها بخواهند در سطوح اجتماعی و فضایی به توسعه گسترده دست یابند، باید پراکندگی جغرافیایی سرمایه گذاریها را تقویت کنند. (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۱۷۶) میسررا پیشنهاد می کند اجزای روند توسعه می باید آن چنان پیوسته باشند که در آن شکاف بین ناحیه های شهری و روستایی از نظر درآمد، بازدهی، خدمات اجتماعی و کیفیت زندگی کاهش یابد و ضروری است از توسعه ای که متضمن جدایی پیشرفت شهر و روستا از هم می گردد دوری شود (میسرا، ۱۳۶۶، ۱۸) همچنین شوماخر در کتاب خود با عنوان «کوچک زیباست»، گرایش به بزرگی را در مطالعات موردی معاصر مورد حمله قرار می دهد. پیام وی چنین بود: لازم است که اندازه و تمام فناوری ها مناسب باشد یعنی اینکه برای اجتماع مفید باشد، فن آوری مناسب یک جامعه وقتی ایجاد می شود که اجتماعات محلی بر کارکردشان، خواه در روستاهای جهان سوم باشد خواه در شهرهای بزرگ امروزی تأکید ورزند. (مشکینی، ۱۳۸۶، ۱۱۳-۱۱۲)

با مروری بر مشکلات توسعه نیافتگی روستاهای کشور و پیامدهای آن، واضح است ریشه حل مسائل شهری نیز در گرو حل مسائل روستایی است، همانطور که «از دیدگاه اقتصاددانان، اجرای طرحهای روستایی موجب بهبود شرایط اقتصادی واجتماعی در نقاط روستایی و در نهایت کل یک ناحیه می شود» (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۲۱۸). بنابراین برای دستیابی به شاخص های توسعه یافتگی و با توجه به اینکه عامل عمده مهاجرت های نابهنجار روستاها به شهرهای بزرگ نه تنها تابع سکونت و متعلقات رفاهی آنان است بلکه ناشی از ضعف بستراقتصادی جهت تولید و اشتغال آنها نیز می باشد، لازم است برنامه ریزان و آمایشگران، تجدید حیات روستاها را با نگاهی سیستمی (در جغرافیا، تاریخ تفکرات سیستمی، همراه با تحلیل کارکردی و تأکید بر روی نواحی و مکان جغرافیایی به منزله یک دستگاه اندامواره همراه بوده است که جغرافیا را به عنوان (علم اکولوژی انسانی) مطرح می کند. (شکوئی، ۱۳۹۱، ۸۷) و تأکید بر کل نگری و یکپارچگی ارتباطات فضایی میان شهرها و روستاها مورد توجه جدی قرار دهند. در این راستا قبل از اتخاذ هرگونه سیاست توسعه لازم است مشکلات اساسی و ریشه ای مناطق محروم شناسایی شود این امر سبب می شود برنامه ریزان و سیاست گذاران با درک عمیق تر و بهتر نسبت به مسائل منطقه ای، اقدام

به پیشنهاد سیاست ها و تهیه برنامه ها نمایند تا بدین ترتیب، توسعه مناطق محروم با شتاب بیشتری تحقق پذیرد (Venkatesh, 2000:2) البته در کنار آن توجه به مناسب سازی ساختار برنامه ریزی جهت بررسی توانایی ها و استعداد های منطقه یا ناحیه، و اتخاذ تصمیم گیری های مؤثر نیز بسیار مهم است. نگارندگان معتقدند جهت رسیدن به این مهم، بکارگیری رویکرد توسعه ی پایدار و مبتنی بر راهبرد مشارکت همه جانبه روستاییان، ضمن توجه به ساختار برنامه ریزی و نگاه سیستمی به برنامه ریزی توسعه روستایی، می تواند در دستیابی به شاخص های توسعه یافتگی و کاهش اختلافات منطقه ی، بویژه تأمین نیاز و خواسته های جامعه روستایی، مثر ثمر واقع شود.

۲- ادبیات تحقیق

توسعه از نظر لغوی به معنی پیشرفت، ترقی و بهبود است و مفهوم آن را می توان با " تغییر همراه با پیشرفت " یکی دانست. برخلاف " رشد " که تنها به جنبه های کمی میپردازد، " توسعه " به جنبه های کیفی نظر دارد. (ازکیا، ۱۳۷۰، ۱۸) و توسعه اقتصادی و اجتماعی، تغییرات هماهنگ در اقتصاد و ساختارهای جامعه در جهت استقرار یک نظام عادلانه و بهبود کیفیت زندگی و فراهم کردن موجبات بهزیستی انسانهاست " (یوسفی، ۱۳۶۳، ۱۵) که سه جنبه ی مهم توسعه، عبارتند از: (۱) بهبود زندگی مردم، یعنی سطح درآمد و مصرف مواد غذایی، سطح خدمات پزشکی، آموزشی و مانند آنها (۲) ایجاد شرایطی که موجب رشد عزت نفس مردم می شود، از راه استقرار نظام ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که افزایش یافته ی شأن و احترام انسان باشد (۳) افزایش آزادی های مردم در گزینش، از راه گسترش دامنه ی متغیرهای گزینشی آنها. (سیف الدینی، ۱۳۸۵، ۱۰۳) شاید برای اولین بار عنوان توسعه جغرافیایی در برابر توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی به وسیله هارولد وود استاد جغرافیا در دانشگاه مک مستر کشورکانادا مطرح شد. وی در تعیین معیارهای جغرافیایی توسعه به چند عامل از جمله عدالت اجتماعی، فن آوری مهار شده، کنترل آلودگی های محیط زیست، سلامتی و رفاه اجتماعی جامعه، کیفیت زندگی، تهیه سرمایه لازم برای مناطق کم توسعه و نقاط روستایی تکیه می کند. (رضوانی، ۱۳۷۷، ۲۵) در بی توازن منطقه ای، موقعیتی که اختلافات مکانی در سطح رفاه اقتصادی (بی توازن مکانی) معنی دار و مسأله ساز است. (سیف الدینی، ۱۳۷۸، ۳۸۵) روند توسعه برای مردم در محدوده فضایی مورد نظر می بایست همراه با افزایش توانایی ها به گسترش انتخاب های ساکنان منطقه در حوزه های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی منجر شود تا توسعه انسانی باشد. (صرافی، ۱۳۷۷، ۴۰) البته با توجه به تنوع جغرافیایی مکان ها لازم است که سیاست لازم با شرایط جغرافیایی مناطق تطبیق داده شده و تعدیلات لازم صورت گیرد. امروزه در مطالعات شهری - روستایی با توجه به اهمیت عدالت اجتماعی، بیش از همه بر موارد زیر تأکید می شود: (۱) ریشه کن کردن فقر (۲) توزیع عادلانه درآمد، مصرف و ثروت (۳) شرکت عمومی در کار و تصمیم گیری (شکوئی، ۱۳۶۴، ۱۶۱) که توجه به این بعد انسانی در تطابق با تعریف جدید از توسعه که در سال ۱۹۸۷، در کمیسیون brundtland ارائه گردید " که در آن توجه به انسانها بیشترین مقبولیت را از نقطه نظر بین المللی دارد و توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل های آینده در تأمین نیازشان، فراهم نماید. (Barton, Hugh, 2000:303) "

در پادایم جدید توسعه مردم دیگر فقط «بزار» نیستند بلکه در عین حال «هدف گذار» و «عامل» توسعه نیز تلقی می شوند. در مفهوم سازی مجدد توسعه در پارادایم جدید، سه فرایند مهم و شالوده ای مورد توجه قرار گرفته است که از این قراراند:

۱- سرمایه اجتماعی ۲- دموکراسی مشارکتی ۳- توانمندسازی (زاهدی، ۱۳۸۸، ۴۴) در مفهوم فرایند توسعه پایدار، عدالت به عنوان کانون در توسعه پایدار دیده شده و دلالت بر نابرابری کمتر در توزیع دارایی ها و پیشرفت توانایی ها و فرصت ها برای گروه محروم دارد. در سطح جهانی رویکردهای متفاوتی به شاخص سازی توسعه پایدار وجود دارد که دو مفهوم پایه ای حفاظت از محیط زیست (پایداری) و بهزیستی و رفاه (توسعه) از مؤلفه های اصلی شاخص سازی در همه رویکردها به شمار می آیند. (زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۷-۵۱) شالوده معنایی توسعه پایدار به مفهوم پایداری به فرایندی از استمرار، تعادل پویا و بهبود مستمر در داخل یک سیستم با توجه به اینکه سیستم ها مرکب از اجزاء و مؤلفه های متفاوت و متعددی هستند، پایداری ضمناً به

کارکرد بهینه در هر یک از این مؤلفه‌ها در ارتباط با کل سیستم به هماهنگی پویا و تجدید شونده، میان این اجزاء نیز مربوط است.

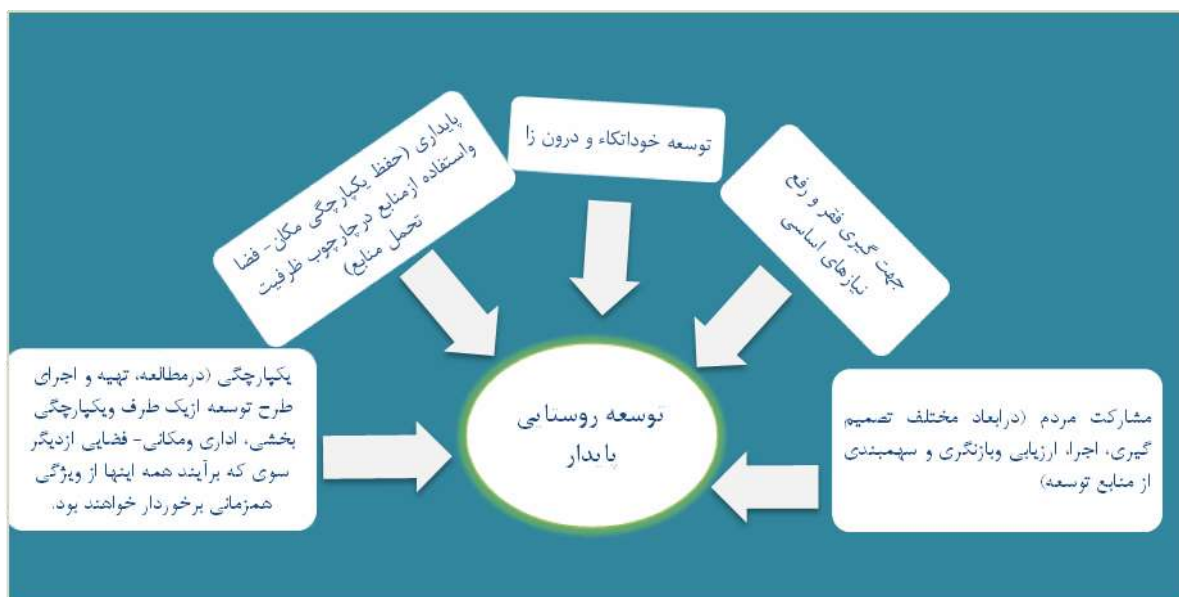
جدول ۱. مؤلفه‌ها و اصول توسعه پایدار (نگارندگان برگرفته شده از زاهدی، ۱۳۸۸: ۴۷-۵۱)

توسعه پایدار بعنوان یک رویکرد سیستمی شامل دو زیرسیستم است:	
۱- زیر سیستم انسانی شامل: اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی	
۲- زیرسیستم اکولوژیکی شامل: محیط طبیعی، تکنولوژی، روش‌های بهره‌برداری و اطلاعات	
مؤلفه‌های اصلی پایداری در منظومه معنای توسعه را می‌توان به این صورت برشمرد:	اصول اساسی مورد نظر در این سیستم را می‌توان بشرح زیر صورت‌بندی کرد:
۱- پایداری اقتصادی (سودآور بودن)	۱- یکپارچگی و هماهنگی رویه‌ها در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فنی و مدیریتی (سازمانی) و زیست‌محیطی؛
۲- پایداری اجتماعی (سازگار بودن)	۲- بهبود مستمر؛
۳- پایداری زیست‌محیطی (عدم تخریب زیست‌بوم)	۳- کاهش فقر؛
۴- پایداری ساختاری و سازمانی (دارا بودن اقتدار و صلاحیت و کارایی و مؤثر بودن ساختار مدیریت)	۴- توانمندسازی مردم؛
۵- پایداری تکنولوژیکی (مناسب بودن فناوری)	۵- نظارت مشارکتی؛
۶- پایداری تعادل (هماهنگی پویا)	۶- حفظ اکوسیستم؛
	۷- کاربست روشهای محافظه‌کارانه در اکوسیستم؛
	۸- جلوگیری از آلودگی؛
	۹- شفاف‌سازی و سرعت جریان اطلاعات؛
	۱۰- پاسخگویی به نسلهای فعلی و آتی؛

همانطور که در جدول ۱. اشاره شده "ارزش‌های اساسی توسعه پایدار بر محور ارتقای کیفیت زندگی و توانمندسازی انسان‌ها تعریف می‌شوند و تحقق عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین لوازم پایداری توسعه است. (طالقانی، و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۲-۸۹). و در تحلیل نهایی، توسعه انسانی پایدار توسعه‌ای است طرفدار مردم، طرفدار ایجاد شغل و سازگاری با طبیعت. در این گونه توسعه کاهش سطح فقر، اشتغال مولد، یکپارچگی اجتماعی و تجدید حیات زیست محیطی بالاترین اولویت را پیدا می‌کنند. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴، ۵-۶) با توجه به نگاه سیستمی این نوع از توسعه و هماهنگی آن با شرایط جامعه، کاربرد آن در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی نیز به عنوان پشتوانه‌ای اساسی جهت دستیابی به اهداف تعیین شده خود مورد توجه کارشناسان و مسئولین امر می‌باشد.

۲-۱- توسعه روستایی پایدار

توسعه روستایی پایدار فرایندی جامع از سازماندهی عناصر نظام مکانی- فضایی حوزه روستایی که در آن، روابط ساختی- کارکردی متعادل، متوازن و مکمل میان پدیده‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و نهادی که در هر سطحی برقرار شده و با بهره‌مندی از ویژگی خودسازمانی درونی (مشارکت) قادر به ارتقای توانمندی‌ها در چارچوب ظرفیت تحمل منابع و حفظ آن در خلال زمان و فضا باشد. اصول پایه‌ای "توسعه پایدار روستایی" در شکل ۱ ذکر گردیده است.



شکل ۱. طرح مفهومی توسعه پایدار روستایی منبع: (نگارندگان، برگرفته شده از وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۷، ۷) بکارگیری دیدگاه توسعه پایدار روستایی مستلزم راهبردهایی است که در این بین می‌توان به توسعه مشارکتی اشاره نمود که تأکید برخی نظریه پردازان روستایی مانند گاندی و... و تجربه برخی کشورها در زمینه توسعه روستایی مبتنی بر این نوع توسعه بوده است.

۲-۲- مشارکت توسعه‌ای

مشارکت توسعه‌ای، فرایندی است اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همبسته، چندبعدی و چندفرهنگی که همگان در همه مراحل توسعه درگیر شوند. (شادی طلب، ۱۳۷۲، ۸)

دو شیوه گوناگون برای عمل به این نوع مشارکت وجود دارد: که شامل یک استراتژی رادیکال (ریشه‌ای) جهت برقراری نظامی عادلانه و مبتنی بر مشارکت گسترده تهیدستان روستایی از جمله افراد بدون زمین، مانند، چین، جمهوری متحد تانزانیا، اتیوپی و جمهوری کره و دیگری بکارگیری سیاست رفورمیست (اصلاح طلب) با ایجاد تغییر موضعی در نظام قدیم نابرابری‌ها از نظر توزیع درآمد و ثروت در نظام روستایی و در میان بخش‌های اقتصاد کشور و همچنین روابط قدرت روستایی-شهری؛ مانند مصر، هندوستان، مکزیک، نپال. (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۱۲۰).

جدول ۲. نظریات مشارکت توسعه‌ای

نظریه مهاتما گاندی	نظریه گاندی بر پایه دو اصل استوار بود: (۱) خوداتکایی روستا (۲) مشارکت و خودیاری روستایی. گاندی خواهان تحول روستاها از طریق توسعه درونی آنها و تبدیل‌شان به مکان‌های زیست‌پذیر و متناسب با رشد و ترقی بود.
نظریه ژولیبوس نیرره	نیرره بر اساس دیدگاه سوسیالیستی خود، توسعه روستایی بر محور مشارکت را تنها راه‌حل مشکلات جهان سوم می‌داند. وی ریشه فقر جهانی و فقر شهری را در روستاها می‌داند. او جاما (روابط خانوادگی) الگوی توسعه روستایی مورد نظر نیرره است که تلاش دارد تا زمینه قابل‌اتکاتر را برای بسیج روستایی و سیاسی کردن روستاها مهیا سازد.
نظریه عبیدا... خان	نابودی فقر و بالابردن کیفیت زندگی توده‌های فقیر هدف اصلی و اساس توسعه است. به نظر عبیدا... خان الگوی توسعه روستایی شامل موارد زیر است: الف) دادن اعتماد به نفس به روستاییان در جهت توسعه مشارکتی؛ ب) اصلاحات ارضی؛ ج) کشاورزی محور توسعه و صنعتی شدن است. پس برنامه‌های توسعه باید حامی شیوه تولید کشاورزی باشد؛ د) رهبران محلی وظیفه ارتباط دولت و مردم را به عهده دارند.
نظریه ویتز	ویتز می‌گوید: "توسعه ثمره مجموعه‌ای از اقدامات خصوصی و دولتی است" وی بررسی‌های اجتماعی و انسان‌شناسی را پیش‌نیاز مهمی جهت شروع فعالیت‌های توسعه در سطح روستا می‌داند. ویتز در توسعه مشارکتی به ساختار و بهبود آن در جهت ایجاد زمینه مناسب دستیابی به مشارکت تأکید می‌کند
نظریه کار دل‌انگیز شارل فوریه	شارل فوریه از اندیشه‌گران بنام مکتب تعاونی با طرح نظریه کار دل‌انگیز به همکاری و مشارکت نگریسته است. وی مشارکت را در بطن انسان می‌داند که تجلی آن نیازمند همگرایی افراد جامعه است. بنابراین نظریه کار دل‌انگیز در قالب مکتب رفتارگرایی جای دارد، چرا که رفتار و کردار را عامل بروز تمایل به مشارکت در انسان می‌داند.

منبع: پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ۱۲۴-۱۲۰.

۳- شناخت محدوده مورد مطالعه

استان گیلان، از استان‌های شمالی ایران به مرکزیت کلانشهر رشت است. این استان، دارای مرز بین‌المللی از طریق آستارا با جمهوری آذربایجان است که از شمال به دریای خزر و کشور آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین و از شرق به استان مازندران محدود می‌شود. مساحت گیلان ۱۴۰۴۴ کیلومترمربع و جمعیت آن طبق سرشماری ۱۳۹۱، ۴۸۰۸۷۴،۲ نفر است. گیلان دهمین استان پرجمعیت و بیست و هشتمین استان وسیع ایران است. تراکم جمعیت در این استان با ۱۷۷ نفر در هر کیلومترمربع جایگاه سوم را در ایران دارد.

استان گلستان از دیگر استانهای شمال کشور است که این استان دارای ۱۴ شهرستان، ۲۵ شهر و ۵۳ دهستان می‌باشد.

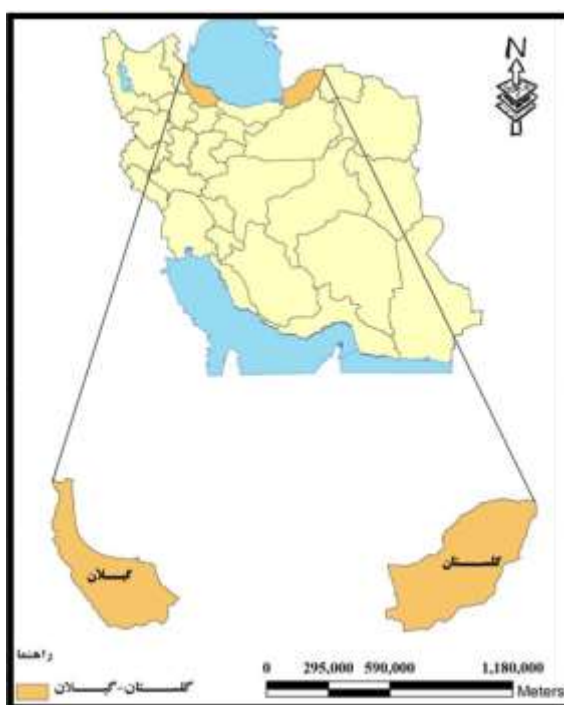
مشخصات عمومی استان گیلان در جدول زیر آمده است:

جدول ۳: مشخصات عمومی استان گیلان

تعداد روستاهای ۵۰۰ الی ۹۹۹ نفر	تعداد روستاهای بالای ۱۰۰۰ نفر	تعداد کل روستاها	تعداد دهستان	تعداد شهر	تعداد بخش	تعداد شهرستان
۴۵۵	۲۵۱	۲۶۹۰	۱۰۹	۴۹	۴۳	۱۶

جدول ۴: مشخصات عمومی استان گلستان

تعداد روستاهای ۵۰۰ الی ۹۹۹ نفر	تعداد روستاهای بالای ۱۰۰۰ نفر	تعداد کل روستاها	تعداد دهستان	تعداد شهر	تعداد بخش	تعداد شهرستان
۲۱۸	۲۷۲	۹۶۲	۵۳	۲۵	۲۳	۱۴



نقشه ۱: موقعیت مکانی استان گیلان و گلستان در کشور

۴- روش تحقیق

با توجه به رویکرد پژوهش حاضر، نوع تحقیق «کاربردی- توسعه ای» و روش بکارگرفته شده «توصیفی- تحلیلی» می باشد. داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش کتابخانه ای از منابع مختلف آماری مربوط به استان های گلستان و گیلان جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این تحقیق تمامی سکونتگاه‌های روستایی بالای ۲۰ خانوار استان‌های مذکور است در این روش ابتدا وضعیت میزان دسترسی به خدمات در نظام سکونتگاه‌های روستایی شهرستان‌های استان های گلستان و گیلان با توجه به شاخص در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی-نهادی توصیف گردید. سپس با بهره گیری از تکنیک ویکور و تاپسیس به وزن دهی شاخص ها و رتبه‌بندی شهرستانها و میزان توسعه یافتگی آنها پرداخته شده است.

جدول ۵: شاخص های مورد استفاده

شاخص	کالبدی - نهادی	اجتماعی	اقتصادی
متغیر	<ul style="list-style-type: none"> - درصد برخورداری از آب آشامیدنی سالم به کل روستاها - درصد بهره مندی از روشنایی برق به کل روستاها - تعداد روستاهای دارای لوله کشی گاز طبیعی - تعداد روستاهای بهره مند از دفاتر ICT روستایی - تعداد روستاهای دارای طرح هادی - تعداد روستاهای دارای طرح هادی اجرا شده - نسبت مراکز بهداشتی، درمانی (خانه بهداشت) به کل روستاها - سرانه برخورداری از فضاهای ورزشی - نسبت طول راه های روستایی آسفالت به کل طول راه های روستایی - میزان ضریب پوشش تلفن همراه - تعداد قنوات نیازمند احیا و مرمت به کل قنوات - نسبت روستاهای دارای شبکه جمع آوری و دفع فاضلاب به کل روستاها - نسبت طول شبکه فرسوده آب روستایی به کل شبکه موجود - فاصله شهرستان از مرکز استان 	<ul style="list-style-type: none"> - تعداد جمعیت تحت پوشش بیمه روستایی به کل جمعیت مناطق روستایی - تعداد جمعیت تحت پوشش بیمه روستایی به کل جمعیت مناطق روستایی - تراکم دانش آموز در کلاس کالبدی مقطع دبستانی - تراکم دانش آموز در کلاس کالبدی مقطع راهنمایی - تراکم دانش آموز در کلاس کالبدی مقطع دبیرستان - تعداد رایانه به ازای هر یک هزار دانش آموز 	<ul style="list-style-type: none"> - سطح زیر کشت محصولات دایمی به کل اراضی زراعی - سطح زیر کشت محصولات سالانه به کل اراضی زراعی - نرخ مشارکت اقتصادی روستایی - نرخ اشتغال روستایی

۵- یافته های تحقیق

۵-۱- تجزیه و تحلیل وضعیت توسعه یافتگی شهرستانهای استان گیلان و گلستان براساس تکنیک تاپسیس و ویکور

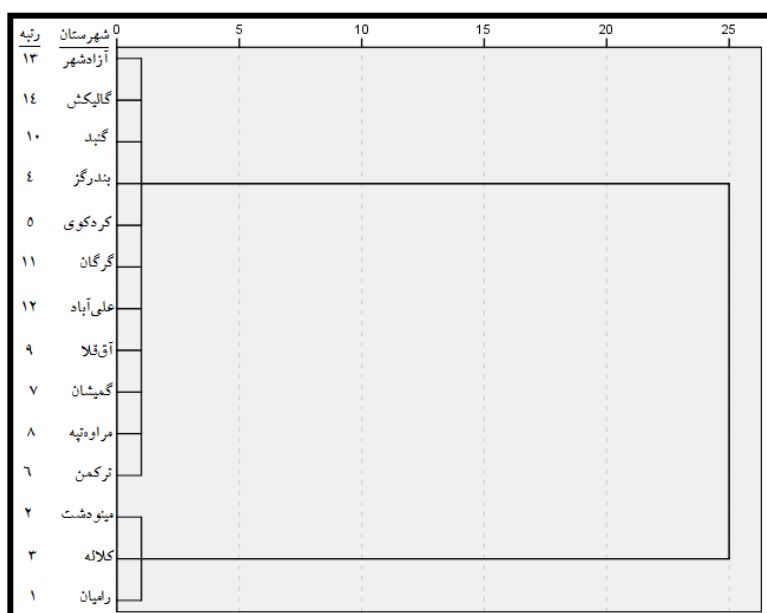
با استفاده از شاخص های مورد استفاده، با استفاده از تکنیک های تاپسیس و ویکور به تجزیه و تحلیل میزان توسعه یافتگی و رتبه بندی سکونتگاه های روستایی استان گیلان و گلستان بر اساس متغیرهای کالبدی- نهادی، اجتماعی- اقتصادی و شاخص های مورد نظر پرداخته شده است که نتایج حاصل هر یک از تکنیک ها در جدول شماره (۵، ۶، ۷ و ۸) نشان داده شده است.

جدول ۶: رتبه بندی میزان توسعه یافتگی شهرستانهای استان گلستان براساس روش تاپسیس

رتبه	cli-	di-	di+		شهرستان
7	0.0706	0.0183	0.2403	1	گمیشان
5	0.0963	0.0255	0.2395	2	کردکوی
12	0.0568	0.0145	0.2402	3	علی آباد
13	0.0225	0.0055	0.2406	4	آزادشهر
2	0.9057	0.2394	0.0249	5	مینودشت
3	0.9037	0.2394	0.0255	6	کلاله
14	0.0218	0.0054	0.241	7	گالیکش
8	0.0694	0.0179	0.2405	8	مراوه تپه
9	0.0612	0.0157	0.2404	9	آق قلا
10	0.0602	0.0154	0.2405	10	گنبد
6	0.0759	0.0197	0.2402	11	ترکمن
11	0.0581	0.0148	0.2402	12	گرگان
1	0.9178	0.2399	0.0215	13	رامیان
4	0.1012	0.027	0.2394	14	بندرگز

یافته های پژوهش

بر اساس جدول شماره (۵) و نتایج حاصل از مدل تاپسیس، شهرستانهای رامیان، مینودشت و کلاله به ترتیب بیشترین شاخص های مطرح شده را به خود اختصاص داده اند. و شهرستانهای علی آباد، آزادشهر و گالیکش به ترتیب امتیاز (۰.۰۵۶، ۰.۰۲۲ و ۰.۰۲۱) در رتبه های آخر قرار دارند. از سوی دیگر برای خوشه بندی هر یک از شهرستانها از تحلیل خوشه ای استفاده شده است (شکل شماره ۲) و برای ترسیم نقشه ها از محیط جی ای اس استفاده شده است که بر اساس شکل شماره (۴) رامیان، مینودشت و کلاله در سطح اول و مابقی شهرستانها در سطح دوم خوشه قرار دارند.



شکل ۲: خوشه بندی بر خور داری شهرستانهای استان گلستان در شاخص های توسعه روستایی

ماخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۳

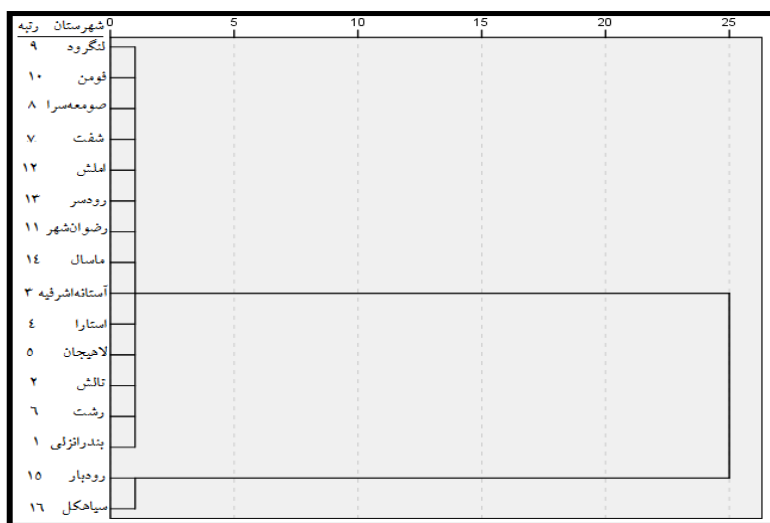
جدول ۷: رتبه بندی میزان توسعه یافتگی شهرستانهای استان گیلان بر اساس میزان تاپسیس

رتبه	cli-	di-	di+	شهرستان
4	0.8713	0.2256	0.0333	آستارا
3	0.872	0.2257	0.0331	آستانه اشرفیه
12	0.7692	0.2186	0.0656	املش
1	0.8889	0.2265	0.0283	بندر انزلی
2	0.8795	0.2257	0.0309	تالش
6	0.8615	0.222	0.0357	رشت
11	0.7699	0.2186	0.0653	رضوانشهر
15	0.0591	0.0141	0.2252	رودبار
13	0.7689	0.2186	0.0657	رودسر
16	0.0225	0.0052	0.2281	سیاهکل
7	0.7739	0.2192	0.064	شفت
8	0.7722	0.2187	0.0645	صومعه سرا
10	0.7714	0.2186	0.0648	فومن
5	0.8689	0.2256	0.034	لاهیجان
9	0.7715	0.2186	0.0648	لنگرود
14	0.768	0.2186	0.066	ماسال

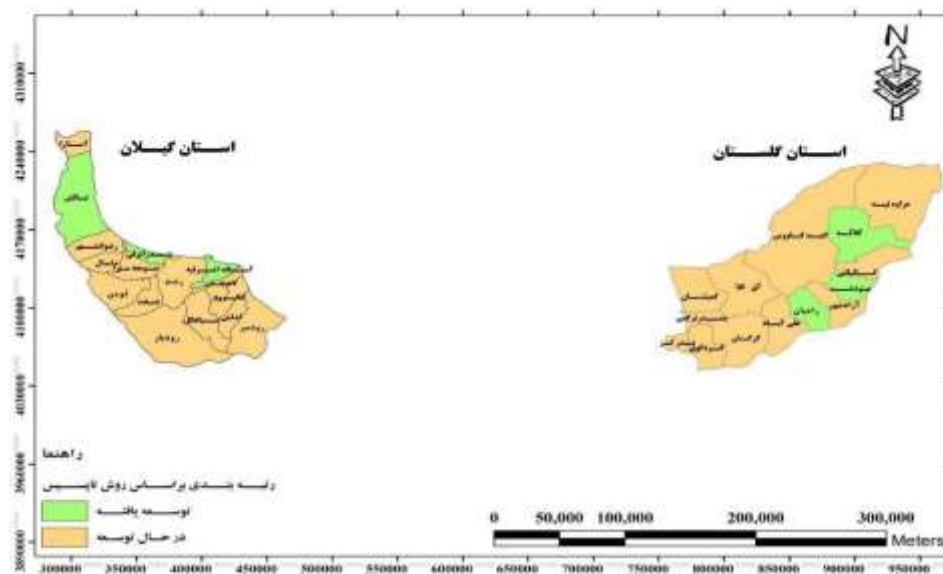
محاسبات نگارندگان، ۱۳۹۳

شهرستانهای استان گیلان بر اساس نتایج تاپسیس منعکس کننده این مطلب است که بندرانزلی در رتبه اول، تالش در رتبه دوم و آستانه اشرفیه در رتبه سوم قرار دارند. از سوی دیگر شهرستانهای ماسال با امتیاز ۰.۷۶ در رتبه چهاردهم، رودبار با امتیاز ۰.۰۵۹ و در نهایت شهرستان سیاهکل در آخرین رتبه بین شهرستانها قرار دارد. بر این منبأ کلا شهرستانها بر اساس مدل

خوشه ای در دو طبقه جای گرفته که روبار و سیاهگل به تنهایی در یک خوشه و مابقی در خوشه های دیگر قرار دارند (شکل ۳).



شکل ۳: خوشه بندی بر خور داری شهرستانهای استان گیلان در شاخص های توسعه روستایی

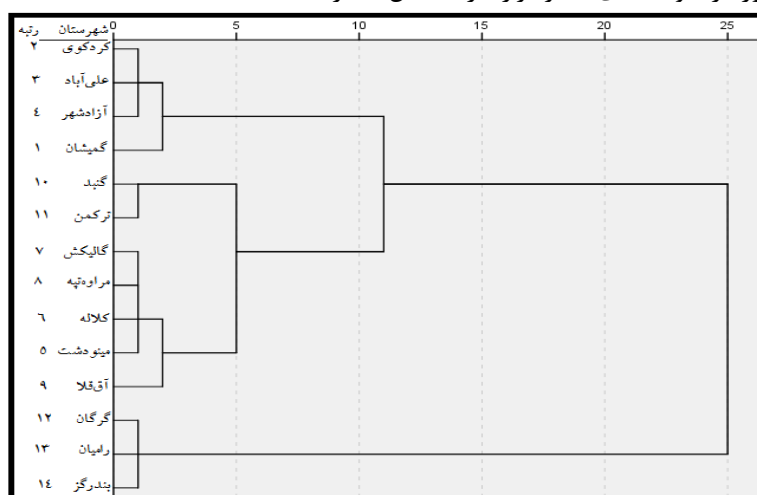


شکل ۴: نقشه وضعیت هریک از شهرستانها در گلستان و گیلان در شاخص های توسعه روستایی بر اساس تکنیک تاپسیس

۵-۲- تجزیه و تحلیل وضعیت توسعه یافتگی شهرستانهای استان گیلان و گلستان براساس تکنیک ویکور
جدول ۸: رتبه بندی میزان توسعه یافتگی شهرستانهای استان گلستان براساس میزان ویکور

رتبه	qi	si	ri	شهرستان
1	0.017963	0.470655	0.05	گمیشان
2	0.110536	0.634232	0.060714	کردکوی
3	0.117188	0.511842	0.05	علی آباد
4	0.152619	0.551095	0.085	آزادشهر
5	0.262068	0.438233	0.045	مینودشت
6	0.311793	0.418849	0.045	کلانه
7	0.331845	0.49356	0.05	گالیکش
8	0.351483	0.602	0.05	مراوه تپه
9	0.412766	0.502796	0.05	آق قلا
10	0.487542	0.40392	0.05	گنبد
11	0.547214	0.574514	0.05	ترکمن
12	0.700893	0.530336	0.099	گرگان
13	0.712039	0.412194	0.035	رامیان
14	0.774446	0.54007	0.05	بندرگز

نتایج حاصل از مدل ویکور نشان می دهد که شهرستانهای گمیشان با امتیاز ۰.۰۱۷ در رتبه اول، کردکوی با امتیاز ۰.۱۱ در جایگاه دوم و در نهایت علی آباد با امتیاز ۰.۱۱۷ در رتبه سوم قرار دارد. و شهرستانهای گرگان، رامیان و بندرگز با ترتیب امتیاز ۰.۷۰، ۰.۷۱ و ۰.۷۷ در رتبه های آخر قرار دارند (جدول شماره ۷). همچنین نتایج حاصل از تحلیل خوشه ای بر منبای ویکور نشان می دهد که گمیشان در خوشه اول و کردکوی، علی آباد، آزادشهر در خوشه دوم قرار دارند و سایر شهرستان به ترتیب امتیاز حاصل از مدل ویکور در خوشه های دیگر قرار دارند (شکل شماره ۵).



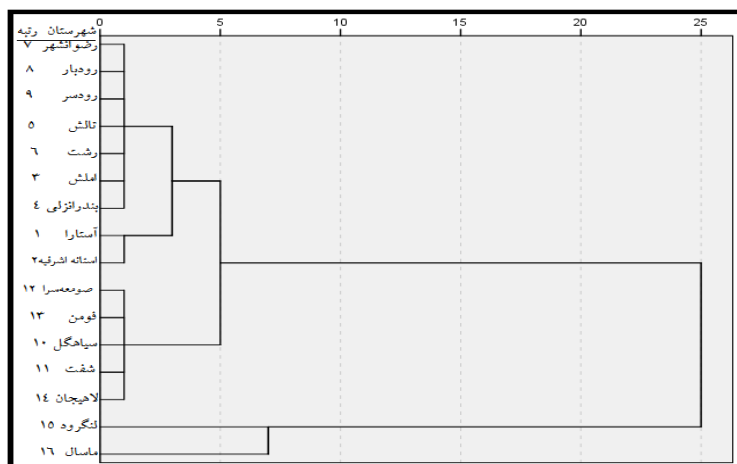
شکل ۵: خوشه بندی بر خور داری شهرستانهای استان گلستان در شاخص های توسعه روستایی

جدول ۹: رتبه بندی میزان توسعه یافتگی شهرستانهای استان گیلان براساس میزان ویکور

رتبه	qi	si	ri	شهرستان
1	0.066668	0.505303	0.053125	آستارا
2	0.088087	0.438893	0.04	آستانه اشرفیه
3	0.171116	0.509809	0.05	املش
4	0.201271	0.52115	0.06375	بندر انزلی
5	0.243444	0.489775	0.0792	تالش
6	0.26597	0.408316	0.06375	رشت
7	0.306029	0.637644	0.099	رضوانشهر
8	0.309673	0.51087	0.045	رودبار
9	0.322689	0.481104	0.05	رودسر
10	0.415605	0.44793	0.05	سیاهکل
11	0.424853	0.564308	0.05	شفت
12	0.441039	0.557863	0.085	صومعه سرا
13	0.447282	0.560067	0.05	فومن
14	0.509808	0.448717	0.04	لاهیجان
15	0.707412	0.51148	0.05	لنگرود
16	1	0.571732	0.05	ماسال

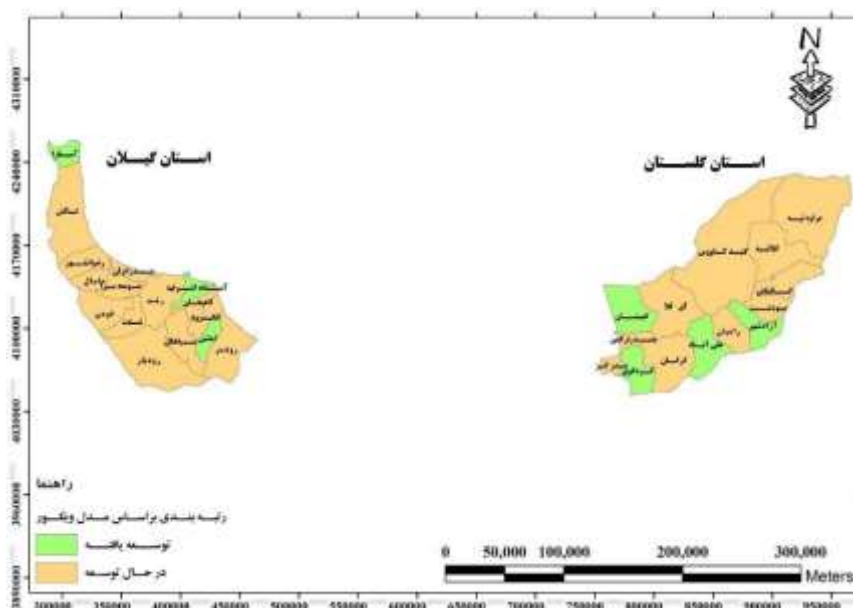
یافته های پژوهش

نتایج حاصل از مدل ویکور برای شهرستانهای گیلان حاکی از آن است که شهرستانهای آستارا، آستانه اشرفیه و املش در رتبه نخست در بین شهرستانهای مورد بررسی قرار دارند. و شهرستانهای لاهیجان، لنگرود و ماسال در وضعیت نامطلوب واقع شده اند (جدول شماره ۸). همچنین برای طبقه بندی جایگاه هر یک از شهرستان از مدل خوشه ای استفاده شده است. بر این اساس شهرستانهای رضوانشهر، رودبار، رودسر، تالش، رشت، املش و بندرانزلی در خوشه اول، شهرستانهای آستانه و اشرفیه در خوشه دوم و مابقی شهرستان ها نیز در خوشه های دیگر قرار دارند (شکل شماره ۶).



شکل ۶: خوشه بندی بر خوردهاری شهرستانهای استان گیلان در شاخص های توسعه روستایی

ماخذ یافته های پژوهش، ۱۳۹۳



شکل ۷: نقشه وضعیت هریک از شهرستانها در گلستان و گیلان در شاخص های توسعه روستایی بر اساس تکنیک ویکور

۶- نتیجه گیری

در کشورهای جهان سوم تا پایان دهه ۱۹۶۰ تلاش های توسعه مبتنی بر دیدگاه توسعه از برون و رهیافتی کاملاً بخشی بوده، اما به مرور زمان و مشخص شدن نتایج این رهیافتها، از اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ دیدگاه توسعه از درون و توجه به ساختار فضایی توسعه مورد توجه نظریه پردازان توسعه و بویژه جوامع جهان سوم قرار گرفت. در کشور ما نیز اجرای سیاست های توسعه منطقه ای، تحت تأثیر قطب رشد، ناکارآمد بوده و پیامد آن عمیق تر شدن شکاف بین مناطق مرکز رشد و سطوح پایین از لحاظ سطح توسعه یافتگی بوده است بطوری که به موازات تغییرات سریع زندگی شهری و افزایش فشار بر زیرساخت ها و خدمات شهری، سکونتگاه های روستایی کشور، همراه با کاهش جمعیت و مهاجرت ها دچار تغییرات اساسی در سازمان فضایی خود شده اند. در این راستا ارزیابی سطوح توسعه و سطح بندی نواحی با استفاده از روشهای کمی علاوه بر شناخت میزان نابرابری بین نواحی می گردد بلکه تلاشی در جهت کاهش و رفع نابرابریهای موجود می باشد.

یافته های حاصل از مدل تاپسیس براساس ۲۴ شاخص در استان گلستان نشان داده شد که شهرستانهای رامیان با امتیاز (۰.۹۱۷) در جایگاه نخست، مینودشت با امتیاز (۰.۹۰۵) در جایگاه دوم و در نهایت شهرستان کلاله با امتیاز (۰.۹۰۳) در جایگاه سوم در بین شهرستان های مورد مطالعه قرار گرفته اند و در سطح مطلوبی قرار دارند. در کنار آن شهرستانهای علی آباد، آزادشهر و گالیکش به ترتیب امتیاز (۰.۰۵۶)، (۰.۰۲۲) و (۰.۰۲۱) در آخرین جایگاه قرار دارند. از سوی دیگر نتایج حاصل از مدل ویکور در استان گلستان نشان می دهد که شهرستانهای گمیشان، کردکوی و علی آباد به ترتیب بیشترین امتیاز را به خود تخصیص داده و در جایگاه مطلوبتری نسبت به سایر شهرستان ها قرار دارند و شهرستانهای مانند گرگان، رامیان و بندرگز در آخرین اولویت محرومیت واقع شده اند و جایگاه خاصی را بین شهرستانها ندارند.

بررسی همین شاخص ها برای استان گیلان با استفاده از مدل تاپسیس نشان داده شد که شهرستان های بندرانزلی، تالش و آستانه اشرفیه به ترتیب امتیاز (۰.۸۸۸)، (۰.۸۷۹) و (۰.۸۷۲) جایگاه اول تا سوم را به خود اختصاص داده اند و روند بهتری نسبت به سایر شهرستانها دارند. در حالی که شهرستانهای ماسال با امتیاز وزنی (۰.۷۶۸)، رودبار با امتیاز وزنی (۰.۰۵۹۱) و سیاهکل

با امتیاز وزنی (۰.۰۲۲۵) در آخرین رتبه و در نهایت از کمترین توسعه در بین شهرستانها بر اساس مدل تاپسیس قرار دارند. رتبه بندی همین شهرستانها براساس ویکور منعکس کننده این مطلب است که آستار با امتیاز ۰.۰۶۶۶ در مطلوبترین جایگاه در بین شهرستانهای دیگر قرار دارد و توانسته جایگاه اول را به خود اختصاص دهد و شهرستان آستان اشرفیه با امتیاز ۰.۰۸۸۰ دومین جایگاه را بعد از آستارا به خود اختصاص داده است و سومین شهرستان املش است. در همین راستا شهرستان های که در وضعیت نامساعدی قرار دارند می توان به لاهیجان، لنگرود و ماسال اشاره کرد که در آخرین جایگاه قرار دارند.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی، ۱۳۷۰، "مقدمه ای بر جامعه شناسی روستایی" چاپ دوم انتشارات اطلاعات، ۱۸.
۲. پاپلی یزدی، محمدحسین، فدایی، احمد (۱۳۶۶) مهاجرت های روستایی خراسان، تیپ کوهستانی دره ای نمونه روستایی روئین، فصلنامه تحقیقاتی جغرافیایی، شماره ۶.
۳. پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمدامیر، ۱۳۸۱ "نظریه های توسعه روستایی" سمت.
۴. رضوانی، علی اصغر، ۱۳۷۷، "روابط متقابل شهر و روستا با تأکید بر ایران" انتشارات پیام نور، ۲۵.
۵. زاهدی، محمدجواد. ۱۳۸۸ «نقش سازمانهای غیر دولتی در توسعه پایدار» نشرمازیار.
۶. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴، "گزارش توسعه انسانی"، ۱۹۹۴، ترجمه قدرت الله معمارزاده، تهران، ۶-۵.
۷. سیف الدینی، فرانک، ۱۳۸۵، "فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای"، آبیژ.
۸. سیف الدینی، فرانک، ۱۳۷۸، "فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای" چاپ اول، انتشارات دانشگاه شیراز.
۹. شادی طلب، ژاله، ۱۳۷۲، "مشارکت مردم و مدیریت آبخیزها"، ماهنامه جهاد؛ سال سیزدهم، شماره ۸، ۱۶۲.
۱۰. شکوئی، حسین، ۱۳۶۴، "جغرافیای کاربری و مکتبهای جغرافیایی" آستان قدس رضوی، ص ۱۶۱.
۱۱. شکوئی، حسین، ۱۳۹۱ "اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا (جلد دوم) فلسفه های محیطی و مکتبهای جغرافیایی" مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۱۲. صرافقی، مظفر، ۱۳۷۷، "مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای" سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ص ۴۰.
۱۳. طالقانی، غلامرضا و همکاران ۱۳۸۸ "بررسی تأثیر سقف شیشه ای بر کاهش توانمندی زنان در سازمان توسعه برق ایران" نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۲-۸۹.
۱۴. قدیری معصوم، مجتبی، حبیبی، کیومرث (۱۳۸۳) "تعیین مراکز و محورهای بهینه خدمات رسانی در برنامه ریزی ناحیه ای با استفاده از GIS مطالعه موری: شهرستان کلاله"، بیابان، جلد ۹ شماره ۲.
۱۵. مشکینی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، "مجموعه مقالات پایداری و شهر" انتشارات صفوی با همکاری اداره محیط زیست استان زنجان مؤسسه زیست محیطی یاشیلیق
۱۶. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۶، "آمایش سرزمین و ملاحظات امنیت اقتصادی" تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
۱۷. میسر، رامشور پراساد، 1366 "برداشتی نو از توسعه، گزیده مسائل اقتصادی اجتماعی"، شماره ۴۶، سازمان برنامه و بودجه (مدیریت برنامه ریزی)، تهران.
۱۸. وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۷، "طرح توسعه پایدار در حوزه روستایی" معاونت عمران صنایع روستایی، اداره کل بهسازی و مسکن، ص ۷.
۱۹. یوسفی، حاجی علی، ۱۳۶۳، "خلاصه گفتاری پیرامون اصول و مبانی برنامه ریزی و طرح ریزی"، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۵.
20. Hugh, Barton: 2000, Sustainable Communities: The Potential for eco-Neighbourhoods; Earthscan Publication Ltd; London; pp, 303.
21. Venkatesh B. S., (2000), Problems and prospects of development of backward regions: a study of Karnataka State, Thesis of Doctor of Philosophy in Economics, under supervision of Hemlata Rao, Bangalore University, Bangalore.